موضوع تحقیق:

مفهوم شناسی غیبت

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین سیادت

پژوهشگر:

مصطفی نامور

مقطع تحصیلی:

پایه پنجم

درس پژوهشی:

فقه التجاره

مرکز آموزشی:

حوزه علمیه علوی-قم

سال تحصیلی: 1398-1399

****

**تقدیر و تشکر**

با تقدیر و تشکر از همه کسانی که مرا در جمع آوری و گرد آوری این پژوهش کمک کرده اند مخصوصا استاد عزیز حضرت حجت السلام و المسلمین سیادت این پژوهش نا قابل را تقدیم می کنم به مادر سادات حضرت فاطمه زهرا) سلام الله علیها (و حضرت بقیه الله ) علیه السلام )

**چکیده:**

 **غیبت که یکی از گناهان کبیره به حساب می آید، تاثیرات زیادی بر فرد و جامعه می گذارد. یکی از تاثیرات آن در کسب ها حرام است. چون عنوان حرمت روی غیبت رفته است و مسئله مهمی است پس باید روی مفهوم آن دقیق شد تا به اشتباه عنوان حرمت را بر مصادیق مختلف بار نکنیم. در این مقاله سعی شده که ابتدا مفاهیم عرفی و لغوی و شرعی واضح شوند و سپس فرق و ارتباط بین این مفاهیم را توضیح داده ایم و در آخر غیبت را در قرآن و روایات بررسی کرده ایم.**

کلید واژه: غیبت- مفهوم عرفی- مفهوم شرعی- مفهوم لغوی

فهرست

[**مقدمه** 1](#_Toc35110654)

[**فصل اول:مفهوم غیبت** 2](#_Toc35110655)

[**گفتار اول: مفهوم لغوی غیبت** 2](#_Toc35110656)

[**گفتار دوم: معنای عرفی غیبت** 3](#_Toc35110657)

[**گفتار سوم: معنای شرعی غیبت** 3](#_Toc35110658)

[**فصل دوم:مقایسه مفاهیم غیبت** 4](#_Toc35110659)

[**گفتار اول: ارتباط میان مفهوم لغوی با مفهوم عرفی غیبت** 4](#_Toc35110660)

[**گفتار دوم: ارتباط میان مفهوم لغوی با مفهوم شرعی غیبت** 4](#_Toc35110661)

[**گفتار سوم: فرق میان مفهوم عرفی و شرعی غیبت** 4](#_Toc35110662)

[**گفتار چهارم:فرق غیبت با بهتان** 4](#_Toc35110663)

[**فصل سوم:غیبت در آیات و روایات** 5](#_Toc35110664)

[**گفتار اول: غیبت در قرآن** 5](#_Toc35110665)

[**گفتار دوم:غیبت در روایات** 5](#_Toc35110666)

[**نتیجه گیری:** 6](#_Toc35110667)

[**منابع** 7](#_Toc35110668)

# **مقدمه**

از جمله مبتلابه ترین گناهان کبیره که در زندگی روزمره انسان ها اتفاق می افتد گناه غیبت می باشد. یکی از مواردی که غیبت می تواند در آن تاثیر بسزایی داشته باشد در معاملات می باشد. موضوع مهمی که در مسئله غیبت وجود دارد فهم مفهوم دقیق غیبت به عبارت دیگر مفهوم شناسی غیبت می باشد. زیرا اگر ما به درستی این مفهوم را ندانیم ممکن است یکسری از معاملات صحیح به نظر بیایند در حالی که غلط هستند و بالعکس.

مفهوم شناسی غیبت در اصل در علم لغت بحث می شود اما چون مسئله ما در بحث معاملات است در این تحقیق در علم فقه بررسی می کنیم.

مسئله ای که در غیبت وجود دارد این است که مفهوم دقیق غیبت چیست؟ چون از احکام خمسه عنوان حرمت روی غیبت رفته است. پس ما باید معنای لغوی و عرفی و شرعی و اختلاف بین این معانی را بدانیم تا مفهوم غیبت کاملا شناخته شود تا بدانیم دقیقا عنوان حرمت بر روی چه چیزی رفته است.

اهمیت وضرورت مسئله هم از بیان قبل آشکار شد زیرا ما در بحث غیبت با عنوان حرمت مواجه هستیم و این می طلبد که در مفهوم غیبت دقیق شویم تا دچار اشتباه نشویم.

# **فصل اول:مفهوم غیبت**

## **گفتار اول: مفهوم لغوی غیبت**

(اغْتَابَهُ‏) (اغْتِيَاباً) إذَا ذَكَرَهُ بِمَا يَكْرَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ هُوَ حَقٌّ و الاسْمُ (الغِيبَةُ) در کتاب مصباح المنیر درباره تعریف لغوی غیبت می گویند که اولا از اغتابه و اغتیابا است که اغتابه یعنی کسی ذکر کند عیوب شخص دیگری را و این عیب درباره شخص حقیقت داشته باشد به این ذکر عیب که باعث ناراحتی شخص مقابل می شود غیبت می گویند.

غابَهُ‏: عابَهُ، و ذَكرهُ بما فيهِ منَ السُّوءِ،- كاغْتابَهُ‏.- و الغِيبَةُ: فِعْلَةٌ منهُ، تكونُ حَسَنَةً أو قبيحة در کتاب القاموس المحیط لغوی غیبت را گفته اند که از غابه می باشد و غابه یعنی کسی را به بدی یاد کردن و آن بدی در آن شخص باشد مثل اغتابه و غیبت را می گویند انجام دادن عمل است خواه خوب باشد آن عمل یا آن عمل بد باشد.

الغِيبةُ: من‏ الاغْتِيابِ‏. و اغْتابَ‏ الرجلُ صاحبَه‏ اغْتِياباً إِذا وَقَع فيه، و هو أَن يتكلم خَلْفَ إنسان مستور بسوء، أَو بما يَغُمُّه لو سمعه و إِن كان فيه، فإِن كان صدقاً، فهو غِيبةٌ؛ کتاب لسان العرب هم مثل دو کتاب لغت دیگر می گوید که غیبت از اغتیاب و اغتاب است. ولی تعریف این کتاب یک مقداری با دو تعریف دیگر فرق می کند غیبت به این معنی است که شخصی درباره شخص دیگری که حاضر نیست است به بدی سخن بگوید یا چیزی بگوید که اگر آن شخص غائب بشنود ناراحت شود و اگر چه که آن حرف درست و صحیح باشد. فرق در این است که در دو کتاب گذشته به این نکته اشاره نکرده بودند که شخصی که از آن غیبت می شود آن کلام را بشنود یا نشنود یعنی دو لغت نامه قبل نسبت به این نکته کلامشان اطلاق دارد.

فكلام أهل اللغة خاصّ بالذكر و الكلام إلّا أن يريدوا بالذكر ما يشمل الإشارة و التحاكي للفعل، و إلّا فقد سمّى رسول اللّٰه صلى الله عليه و آله إشارة عائشة بيدها إلى قصر المرأة غيبة ما وقتی به کلام اهل لغت توجه می کنیم می بینیم که لغت نامه ها فقط غیبت را به یاد کردن و صحبت کردن از شخص غیبت شده پرداخته اند که شامل اشاره و تحاکی نمی شود مگر آن که در معنای ذکر و یاد کردن توسعه بدهیم و بگوییم شامل اشاره و تحاکی می شود.

## **گفتار دوم: معنای عرفی غیبت**

و قال الشهيد الثاني في كشف الريبة: أنّ الغيبة ذكر الإنسان في حال غيبته بما يكره نسبته إليه مما يُعدّ نقصاً في العرف بقصد الانتقاص و الذم شهید ثانی در کتاب کشف الریبه غیبت را این گونه تعریف می کنند: غیبت یعنی یادکردن از انسان در حالی که انسان حضور ندارد به چیزی که ناراحت می کند او را و آن چیزی که به آن نسبت داده شده از چیزهایی است که در عرف نقص به حساب می آید و قصد این باشد که قصد نقص و ذم داشته باشد.

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ رَجُلٍ لَا نَعْلَمُهُ إِلَّا يَحْيَى الْأَزْرَقَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ص‏ مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبْهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ. در این روایت هم ما می بینم که گفته شده است اگر آن شخصی که غیبت می کند از چیزهایی بگوید که مردم از آن خبر دارند غیبت محسوب نمی شود اما اگر از چیزهایی باشد که مردم نمی دانند غیبت است. این روایت ما را به این نکته می رساند که مردم آن نقص را نمی دانند یعنی عرف نقص شخص غائب را نمی داند. که این همان معنای عرفی است.

## **گفتار سوم: معنای شرعی غیبت**

بعضی از علما درباره ی غیبت گفته اند که آنچه که در اخبار و روایات می باشد تعریف غیبت است. که این مسئله اشعار به شرعی دانستن غیبت دارد.

معنای شرعی غیبت مثل معنای عرفی غیبت می باشد با این تفاوت که در معنای شرعی غیبت آن نقصی که از شخص غائب گفته می شود نقص شرعی می باشد یعنی از چیزهایی است که شرع آن را نقص حساب می کند. پس می توان گفت نقص هایی وجود دارد که در عرف اصلا نقص به حساب نمی آید و مردم فکر می کنند اگر این چنین نقص را بگویند غیبت حساب نمی شود در حالی که این طوری نیست. پس ما باید دقت را بالا ببریم و علاوه بر نقص عرفی نقص شرعی را هم در نظر بگیریم. موارد نقص شرعی در روایات و آیات قرآن آمده است.

# **فصل دوم:مقایسه مفاهیم غیبت**

## **گفتار اول: ارتباط میان مفهوم لغوی با مفهوم عرفی غیبت**

فرقی بین مفهوم عرفی غیبت با مفهوم لغوی نیست فقط لغویون مطلب را به طور کامل بحث نکرده اند یعنی نگفته اند که آن عیبی که گفته می شود نزد عرف نقص حساب می شود یا نه؟ یعنی لغویون نسبت به این که عیب را بگویند مسکوت هستند و اصلا عهده ی آن ها نیست. پس ما برای فهم بهتر و دقیق مفهوم غیبت باید علاوه بر مفهوم لغوی باید به روایات رجوع کنیم.

## **گفتار دوم: ارتباط میان مفهوم لغوی با مفهوم شرعی غیبت**

ارتباط میان مفهوم لغوی با مفهوم شرعی مثل ارتباط مفهوم لغوی با مفهوم عرفی است. یعنی لغویون بحث از نوع عیب نکرده اند و فقط گفته اند عیب ولی در مفهوم شرعی منظور از عیب، عیب هایی است که از نظر شارع و دین عیب به حساب می آید نه عرف.

## **گفتار سوم: فرق میان مفهوم عرفی و شرعی غیبت**

ارتباط بین مفهوم عرفی وشرعی عموم و خصوص من وجه است. یعنی بعضی از مواردی که در عرف نقص به حساب نمی آید در شرع نقص به حساب می آید و این موارد هم غیبت به حساب می آید.

## **گفتار چهارم:فرق غیبت با بهتان**

أَن يتكلم خَلْفَ إنسان مستور بسوء، أَو بما يَغُمُّه لو سمعه و إِن كان فيه، فإِن كان صدقاً، فهو غِيبةٌ؛ و إِن كان كذباً، فهو البَهْتُ و البُهْتانُ و لا يكون ذلك إِلا من ورائه، و الاسم: الغِيبةُ. و في التنزيل العزيز: وَ لا يَغْتَبْ‏ بَعْضُكُمْ بَعْضاً؛ أَي لا يَتَناوَلْ رَجُلًا بظَهْرِ الغَيْبِ بما يَسُوءُه مما هو فيه. و إِذا تناوله بما ليس فيه، فهو بَهْتٌ و بُهْتان‏ در کتاب لسان العرب علاوه بر تعریف غیبت تعریف بهتان را نیز گفته اند که گفته اند بهتان همان غیبت است ولی با این تفاوت که در غیبت آن کلام گفته شده در حق شخص غیبت شده صحیح نباشد پس فرق بهتان با غیبت در صدق و کذب حرف غیبت کنند است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ‏ الْغِيبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَّا الْأَمْرُ الظَّاهِرُ فِيهِ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَ الْعَجَلَةِ فَلَا وَ الْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ‏همچنین در روایت داریم که می فرماید بهتان این است که آن کلامی است که در حق شخص غائب می گوییم صحیح نباشد.

# **فصل سوم:غیبت در آیات و روایات**

## **گفتار اول: غیبت در قرآن**

یکی از مهم ترین آیات قرآن که علما فقه از آن استفاده می کنند در باب غیبت آیه 12 سوره ی حجرات می باشد.( یا اَیّهَا الّذِینَ ءَامَنُوا اجتَنِبُوا کَثِیرًا مِّنَ الظَّنِّ إثمٌ وَ لاتَجَسَّسُوا وَ لا یَغتَب بَّعضُکُم بَعضًا أَیُحِبُّ أَحَدُکُم أَن یَاکُلَ لَحمَ أَخِیهِ مَیتًا فَکَرِهتُمُوُهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِیمٌ)از این آیه استفاده می شود که غیبت مومن و مسلمانان مشکل دارد و غیبت کافر مشکل ندارد زیرا اخوت و برادری بین مومن و کافر وجود ندارد.

## **گفتار دوم:غیبت در روایات**

- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ‏ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْغِيبَةِ قَالَ هُوَ أَنْ تَقُولَ‏ لِأَخِيكَ فِي دِينِهِ مَا لَمْ يَفْعَلْ‏ وَ تَبُثَّ عَلَيْهِ أَمْراً قَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ لَمْ يُقَمْ عَلَيْهِ فِيهِ حَدٌّ

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ رَجُلٍ لَا نَعْلَمُهُ إِلَّا يَحْيَى الْأَزْرَقَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ص‏ مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبْهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ.

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ‏ الْغِيبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَّا الْأَمْرُ الظَّاهِرُ فِيهِ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَ الْعَجَلَةِ فَلَا وَ الْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ‏

ما وقتی به روایات نگاه می کنیم می بینم که روایات به چند نکته می توان دست یافت که هم شامل معنای عرفی و هم لغوی و هم شرعی می باشد. اولا در روایات می فرمایند که غیبت قول می باشد در حق برادرت ثانیا این که آن مقول را خدا مستور کرده است. و مردم از آن عیب خبر ندارند.

# **نتیجه گیری:**

در پایان با بررسی ها و تلاش هایی که در طول تحقیق صورت گرفت می توان گفت تا حدود زیادی مفهوم غیبت روشن شد. اما نتیجه کلی این است که مفهوم غیبت دو قید مهم دارد. یکی این است که کلام گفته شده نقص باشد حال نقص شرعی باشد یا نقص عرفی باشد. دومی این است که کلام به صورت مخفی باشد همراه این که قصد تنقیص هم داشته باشد و اگر مخفی باشد و قصد نتقیص نباشد غیبت نیست اگرچه که این کار هم حرام است. چون کشف عوره مومن است.

# **منابع**

1. قرآن کریم
2. عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين،‌1414 ه‍ ق‌،جامع المقاصد في شرح القواعد‌،قم- ايران‌،مؤسسه آل البيت عليهم السلام،‌ چاپ دوم
3. عاملى، سيد جواد بن محمد حسينى‌،1419 ه‍ ق‌،مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلاّمة( ط- الحديثة)،قم- ايران‌،دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم‌، چاپ اول
4. فيومى، احمد بن محمد،1414 ه. ق‏،المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى‏،قم،‏موسسه دار الهجرة، چاپ دوم
5. فيروز آبادى، محمد بن يعقوب‏،1415 ه. ق‏،القاموس المحيط،بيروت‏،دار الكتب العلمية، چاپ اول
6. دزفولی،مرتضی بن محمد امین انصاری،1415 ه.ق،كتاب المكاسب المحرمة و البيع و الخيارات( ط- الحديثة)، گروه پژوهش در کنگره، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، اول ، قم
7. کلینی،محمد بن یعقوب،1407ه-ق، كافي( ط- الاسلامیه)، غفارى على اكبر و آخوندى، محمد، دار الكتب الإسلامية، چهارم، تهران‏